

کشف تاریخی دست‌نوشته‌های «اپوزیسیون چپ»

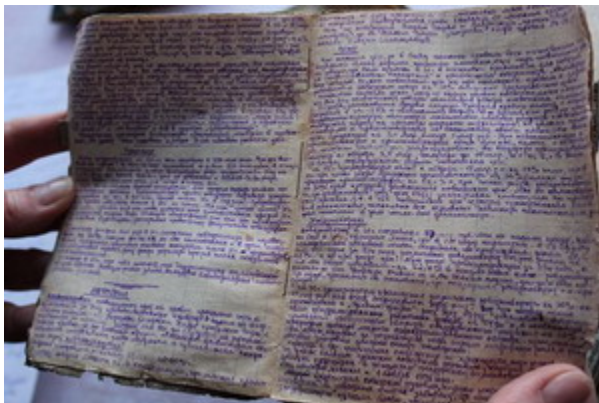
از اوایل سال‌های دهه‌ی ۱۹۳۰

در فوریه ۲۰۱۸، حدود ۳۰ سند دست‌نویس از اعضای «اپوزیسیون چپ تروتسکی» مربوط به سال‌های ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳ در زندان «ورخورالسک» واقع در «اورال جنوبی روسیه» کشف شد. بیش‌تر آن‌ها در دفترچه‌هایی چند یافت شده است. این اسناد توسط کارگرانی که برای نظافت و تعمیر تخته‌های کف اتاق شماره ۳۱۲ زندان مشغول بودند، کشف شد.

تا اینجا تنها یک بخش کوچکی از ادبیات اپوزیسیون تروتسکی در این دوره در اتحاد جماهیر شوروی بدست آمده است. پلیس مخفی استالینیستی، -OGPU NKVD، با کوشش تمام سعی در نابود کردن اسناد تروتسکیست‌ها نمود. تنها تعدادی از این اسناد از مرز گذشت و در «بولتن اپوزیسیون» انتشار یافت؛ اسنادی که توسط شخص تروتسکی رهبر «اپوزیسیون چپ» و پسرش «لف سدوف» ویرایش شده بود.

کشف این اسناد، رویدادی عمده و پُراهمیت تاریخی و سیاسی است. محتوی سه سندی که تا کنون انتشار یافته، اثبات محکمی است از یک دهه مبارزه‌ی طولانی جنبش تروتسکیستی که نهایتاً در سال ۱۹۳۸ به ایجاد «بین‌الملل چهارم»، بر ضد استالینیزم ضدانقلابی منتهی گردید. انتشار این اسناد ضربه‌ی

کارایی است به آموزش‌های ساختگی استالینیستی و دوره‌ی بعد از فروپاشی شوروی که برای دهه‌ها کوشید تا با تهمت و افترا زدن و کوچک کردن، صدای جنبش تروتسکیستی را خفه کند.



صفحات این دفترچه‌ها به وسیله‌ی «اپوزیسیون چپ شوروی» نوشته شده است.

این اسناد دال بر این است که «اپوزیسیون چپ»، حتی زمانی که از «حزب کمونیست» اخراج و به پشت میله‌های زندان فرستاده شد، همچنان نیرویی محکم و قدرتمند بود. همان طوری که «الکساندر فورکین» تاریخدان و استاد دانشگاه دولتی «چلیابینسک» و کسی که از جمله آنانی است که در انتشار این اسناد کار می‌کند، اذعان داشت: در امر تاریخ‌نگاری، این نظریه‌تحمیل شده که بعد از ۱۹۲۷ و بعد از شکست تروتسکی، «اپوزیسیون چپ» در روسیه به طور کلی از بین رفت. اما این کشف ثابت می‌کند که حتی زندان استالینیستی هم نتوانست این انسان‌ها را به زانو در بیاورد. آنان خود را سازماندهی کرده و به مبارزه ادامه دادند. بر پایه‌ی این اسناد، واضح است که آنان در واقع به دنبال ایجاد نوعی برنامه‌ی آلترناتیو برای پیشرفت اتحاد جماهیر شوروی بودند.

دقت کنید که در تاریخ نویسی، این دید به ثبت رسیده است که بعد از سال ۱۹۲۷، یعنی بعد از شکست تروتسکی، «اپوزیسیون چپ» روسیه عملاً دیگر وجود نداشت. اما این کشف ثابت می‌کند که حتی زندان استالینیستی هم نتوانست این انسان‌ها را به زانو درآورد. بر پایه‌ی این دستنوشته‌ها، واضح است که آن‌ها می‌کوشیدند تا یک برنامه آلترناتیو برای پیشرفت اتحاد جماهیر شوروی به وجود آورند.



لف سدوف پسر لنون تروتسکی، سردبیر «بولتن چپ»

«اپوزیسیون چپ» در پاییز ۱۹۲۳ در آخرین مرحله‌ی حیات لنین و در میان نارس ماندن انقلاب آلمان سر بلند کرد و آن زمانی بود که بوروکراتیزم در دولت شوروی و «حزب کمونیست» نقداً باعث ایجاد اپوزیسیون درون حزب و طبقه‌ی کارگر به طور کلی شده بود. عقب ماندگی اقتصاد روسیه، میراث تزاریزم و تأخیر در ایجاد بین‌الملل و به ویژه در اروپا، باعث قدرت گرفتن محافظه‌کاران، لایه‌های ناسیونالیست درون حزب و دستگاه دولت شد. استالینیزم توجیه عقیدتی خود را در تئوری «سوسیالیزم در یک کشور» پیدا

کرد که در سال ۱۹۲۴، توسط بوخارین و استالین در تضاد مستقیم با روح انترناسیونالیست‌ها و چشم‌انداز انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ پیشرفت نمود. در دوره‌ی قرارداد «نپ» (قوانین اقتصادی نو) در اواسط دهه‌ی ۱۹۲۰ «اپوزسیون چپ»، بخش غالب رهبری حزب که شامل استالین، سانتریست‌ها و نیروهای دست راستی می‌شد را به علت انطباق خود با خرده بورژواها، بورژواهای طرفدار نپ و کولاک‌ها (دهقانان ثروتمند) و اینکه مانع عملی شدن پیشنهادات مربوط به سرعت بخشیدن به صنعتی شدن کشور شده و دموکراسی را درون حزب سرکوب می‌کردند، مورد انتقاد قرار داد. در زمینه‌ی سیاست‌های خارجی، تروتسکیست‌ها خط فرصت طلبانه «کمیترن» را محکوم می‌کردند؛ خطی که برای طبقه‌ی کارگر یک سری شکست‌های تخریب‌کننده به همراه داشت، از جمله در بریتانیای کبیر و چین.



لئون تروتسکی با رهبران
«اپوزسیون چپ شوروی» در سال ۱۹۲۷

در پاییز ۱۹۲۸، جناح راست رهبری رسمی «حزب بلشویک» جای خود را به چپ افراطی نامتعادل داد. یکی از دلایل آن بحران حیوانات بود که همان

طوری که اپوزیسیون پیش بینی می‌کرد، به وسیله‌ی کولاک‌ها که نمی‌خواستند محصولات خود را زیر قیمت سودآور به دولت بفروشند، ایجاد شده بود. پس از یک دوره صنعتی شدن کند و تکیه روزافزون بر مکانیزم‌های بازار، رهبری استالینیستی دست به اقدام فوق‌العاده‌ی دیگری زد و آن سیاست هرج و مرج طلبی و ماجراجویی سوپر-صنعتی شدن و کلکتیو کردن کشاورزی همراه با خشونت بود.

در دسامبر ۱۹۲۷، در نتیجه‌ی تشدید فوق‌العاده مبارزه درون حزب، در کنگره‌ی پنجم حزب، تروتسکی، زینوویف به همراه ۸۰۰۰ نفر دیگر از حزب اخراج گشتند. از اینجا به بعد، سرکوب «اپوزیسیون چپ» تدریجاً سنگین‌تر شد. مجازات تبعید اکنون تبدیل به گذراندن دوره‌ی زندان شده بود و شرایط زندان روز به روز ظالمانه‌تر می‌گشت. همان طوری که «وندیم روگووین» تاریخدان و جامعه‌شناس ذکر کرده است «پایه‌های رژیم سیاسی بوروکراتیک و سانتریستی که خود را از انجام هرگونه بازسازی سوسیالیستی به دور نگهداشته بود، در مبارزه‌ی بخش‌های حاکم علیه «اپوزیسیون چپ» به چشم می‌خورد.»^۱

علاوه بر زندان‌های «پاروسلاوی» و «سوزدال» برای زندانیان سیاسی، زندان «ورخنورالسک» بود که در دهه‌ی ۱۹۱۰ بنا و تبدیل به مرکز حبس مخالفان ارجاجی، از جمله «بلشویک-لنینیست‌ها» شده بود. «بلشویک-لنینیست» نامی بود که اپوزیسیون تروتسکیست به خود داده بود.

در میان زندانیان زندان ورخنورالسک، چهره‌های معروفی مانند «گریگوری زینوویف» و «آلف کامنف» رئیس بانک دولتی و رئیس «شورای عالی

^۱ - V. Z. Rogovin, *Vlast' i oppozitsii*, Moscow: ۱۹۹۳, p. ۱۱۸

اقتصادی» (VSNKh)، «گئورگی پیاتاکوف» منشی سابق کمیته‌نر، کارل رادک سردبیر سابق روزنامه پراودا، «اکساندر اسلپکوف» و دوست نویسنده‌اش «دمیتری مارتسکی» (و برادر «ورا مارتسکایی» که در دهه‌ی ۱۹۳۰ ستاره‌ی سینمای شوروی بشمار می‌آمد) بودند. در میان زندانیان همچنین گروه‌های کوچکی از منشویک‌ها، سوسیالیست‌های انقلابی و جمعی از گرایش‌های سیاسی دیگر دیده می‌شدند.



عکس ساختمان زندان سیاسی
ورخنورالسک که به یک موزه تبدیل شده است

لیست اسامی ۱۱۷ نفر از زندانیان بلشویک-لنینیست که در ماه مارس ۱۹۳۱ در «بولتن اپوزیسیون» چاپ شد، شامل شخصیت‌های برجسته‌ی بین الملل تروتسکیستی در آن مقطع بود: «فدور دینگلشتدت» تئورسین برجسته‌ی «اپوزیسیون چپ»، «ویکتور التسین» ویرایشگر مجموع آثار تروتسکی به روسی، «من نولسون» همسر کوچک‌ترین دختر تروتسکی، «نینا برونستاین» و یکی از رهبران اپوزیسیون «موسیا ماگید» و «ایگور پوزنانسکی» یکی از منشی‌های سابق تروتسکی و از همکاران نزدیک او.

یکی از برجسته ترین اسناد منتشره شاید ترهای بلشویک-لنینیست ها باشد که در اول آوریل ۱۹۳۳ درباره‌ی «کودتای فاشیستی در آلمان» نوشته شده است. زمان نوشتن این سند تنها دو ماه از به قدرت رسیدن هیتلر می‌گذشت - هیتلر با توطئه بالاترین رده نیروهای بورژوازی و دولت آلمان قدرت را گرفت. این سند تحلیل دقیقی است از مبدأ پیدایش فاشیزم در آلمان و وظایفی که جلوی روی طبقه‌ی کارگر در سطح اروپا قرار داشت. این سند ظهور نازیسم را در چارچوب بحران سرمایه داری جهانی بررسی می‌کند.



«اپوزیسیون چپ» تبعیدی. از بالا سمت چپ: ویکتور بوریسوویچ التسین.

وسط سمت راست: ایگور پزناسکی. این دو نفر از یاران نزدیک لنون تروتسکی بودند.

در این سند می‌خوانیم: «کودتای ضدانقلابی به سازماندهی دولت که هم اکنون در آلمان به وقوع پیوست با حضور ضدانقلاب مارس در صحنه،

رویدادی است با بزرگ‌ترین اهمیت تاریخی. جنگ جهانی امپریالیستی هیچیک از تضادهای جامعه‌ی سرمایه‌داری را حل نکرده است. برعکس، باعث تشدید فوق‌العاده و عمیق شدن هر چه بیش‌تر این تضادها گشته و به مراحل بالاتری رسانده است. بحران اقتصادی جهانی عمیقاً پایه‌های جامعه‌ی سرمایه‌داری را به لرزه درآورده است. حتی هیولایی همچون ایالات متحده آمریکا نیز از این ضربه به لرزش درآمد.»

این سند بر این تکیه دارد که تصمیم سرمایه‌داری آلمان به قرار دادن فاشیسم در قدرت، نشانه‌ی اوج رشد ضدانقلاب در سطح بین‌المللی است. بحث بلشویک-لنینیست‌ها این بود که بورژوازی آلمان قصد نابود کردن تمام امتیازات اجباری حاصل از انقلاب ناکام کارگران و سربازان آلمان را دارد.

بخش قابل ملاحظه‌ای از این سند مربوط به خیانت «حزب کمونیست آلمان» (KPD) و تأثیرات تاریخی آن است و در آن به حزب کمونیست آلمان برای داشتن پندارهای پوچ «سوسیالیستی» نسبت به مفاد برنامه «سوسیالیسم ملی» که باعث روی آوردن کارگران آلمان به حزب نازی و نیز جلال بخشیدن به خیزش فاشیسم به عنوان «رادیکالیزه شدن چپ توده‌ها» شده و در عین حال موضع ضد جبهه‌ی متحد با کارگران از طرف حزب سوسیال دموکرات، حمله شده است.

در این سند آمده است: «کمبود رهبری اپوزیسیون در حزب کمونیست آلمان در مقابل کودتای فاشیستی، حلقه‌ی زنجیر نهایی و تعیین‌کننده‌ای است از خیانت نسبت به انقلاب جهانی که استالینیزم بین‌المللی طی یک دوره‌ی طولانی مرتکب شده است. این خیانت نسبت به انقلاب جهانی ... همراه با تاریخ ۴ اوت

۱۹۱۴ (روزی که سوسیال دموکراسی آلمان اعتبار جنگی برای حکومت آلمان صادر کرد) در تاریخ به ثبت خواهد رسید.

... بوروکراسی با رد انقلاب مداوم بین‌المللی، ضدانقلاب را تغذیه می‌کند. بوروکراسی اتحاد جماهیر شوروی دائماً جاده صاف کن ارتجاع جهانی در نابودی جنبش کمونیستی بوده است. اتحاد جماهیر شوروی خود را از پرولتاریا جهانی منزوی می‌کند، همان طوری که پرولتاریا جهانی نیز از پرولتاریای اتحاد جماهیر شوروی منزوی می‌گردد.»

بلشویک-لنینیست‌ها نه تنها از حزب کمونیست آلمان به جهت خط سیاسی اش انتقاد می‌کردند، بلکه خلاصه‌ای از آلترناتیوی که در نتیجه سال‌ها تجزیه و تحلیل توسط «اپوزیسیون چپ» تهیه شده بود را ارائه کردند، به ویژه از لئون تروتسکی در باره‌ی وضعیت آلمان. آن‌ها سپس به وضوح، تنها خط‌مشی صحیحی که می‌توانست در سطح بین‌المللی در کمینترن پیاده شود تا در وضعیت و توازن نیروها به نفع طبقه‌ی کارگر تغییر کند را ارائه دادند:

در این سند آمده است: «با توجه به رشد خطرناک کودتای فاشیستی، رهبری انقلابی کمونیست‌ها موظف بود که:

هر روزه به جبهه‌ی ضدفاشیست طبقه‌ی کارگر توان بخشد؛

با دقت تمام آماده یک اعتصاب عمومی سراسری در پاسخ به اقدامات کودتای فاشیستی گردد؛

با دقت تمام امکانات لازم را برای مسلح کردن کارگران در لحظه‌ی حمله‌ی ضدانقلاب فراهم آورد؛

بسیج بهترین نیروهای جنبش کمونیستی جهانی برای کمک به پرولتاریای آلمان؛

بسیج ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی برای پشتیبانی فعال از ضدفاشیسم در یورش به طبقه‌ی کارگر آلمان.

اعلام عمومی و شجاعانه به پرولتاریای آلمان که در مبارزه‌ی قهرمانانه‌اش با فاشیسم تنها نیست و پرولتاریای اتحاد جماهیر شوروی در سرکوب ضدانقلاب همراه آن‌ها است و تمام امکانات ممکن در کشور از جمله نیروهای ارتش استفاده کرده و منتظر این لحظه‌ی تاریخی برای بسیج است و پرولتاریای روسیه وظیفه‌ی خود را در برابر برادران آلمانی خود انجام خواهد داد، همانگونه که پرولتاریا آلمان به وظیفه‌ی خود در انقلاب ۱۹۱۸ روسیه عمل کرد.»

بلشویک-لنینیست‌ها همچنین اعلام داشتند که: «اگر اقدامی در جهت این مسئولیت‌های انقلابی ابتدایی نشود، بین الملل استالینیستی طرح غول آسای شکست جهانی پرولتاریا را آماده کرده است. از این طریق، کمینترن خیانت خود را نسبت به انقلاب تکمیل کرده و به این ترتیب خود را از لیست عوامل انقلابی خارج نموده و به عنوان دنباله‌رو به جناح چپ سوسیال دموکراسی تبدیل گردیده است.» (تأکید در نسخه اصلی)

این سند به صراحت خطراتی که طبقه‌ی کارگر را تهدید می‌کند، برشمرده است:

«تناقضات داخلی و خارجی، حکومت آلمان فاشیستی را در مسیر تجاوز خارجی تحریک کرده و در سطح تاریخی علیه اتحاد جماهیر شوروی برمی‌انگیزد، زیرا راه دیگری برای تقویت طولانی مدت ضدانقلاب به جز از راه جنگ وجود ندارد.»

بلشویک-لنینیست‌ها پیش‌بینی می‌کردند که نازی‌ها نه دهه‌ها بلکه سال‌ها دوام خواهند آورد و طبقه‌ی کارگر [در سطح جهانی] وارد مبارزات انقلابی می‌گردد، از جمله در خود آلمان:

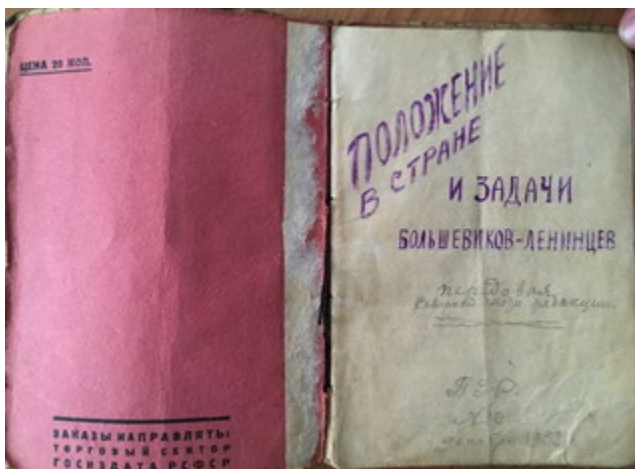
«طبقه‌ی کارگر آلمان نیمی از جمعیت آن کشور را تشکیل می‌دهد. ما در عصر جنگ و انقلاب به سر می‌بریم؛ زمانی که تجربه‌ی سیاسی توده‌ها به سرعت در حال رشد است؛ زمانی که تمامی فرآیندهای زندگی اجتماعی با سرعتی هفت برابر به جلو می‌رود؛ زمانی که طبقات نمی‌توانند برای مدتی طولانی در حالت سردرگمی و غیرفعال باقی بمانند، با وجود اینکه شکست‌های بیرحمانه‌ای را تحمل کرده‌اند.»

سپس این سند نتیجه‌گیری می‌کند که:

«انقلاب جهانی وارد یکی از مراحل حساس (دراماتیک) خود می‌شود. توضیح دادن این کار برای کارگران جهان، بسیج کارگران، اطمینان به اینکه طبقه‌ی کارگر علل رسیدن به این مرحله را درک می‌کند؛ درک می‌کند که پیروزی پرولتاریا تحت رژیم استالینیستی غیرممکن است (نه فقط در اینجا، اتحاد جماهیر شوروی بلکه حتی برای اروپا هم سخت‌تر شده است)؛ درک می‌کند که استالینیست در سطح بین‌المللی یکی از موانع تعیین‌کننده‌ای است که طبقه‌ی کارگر برای غلبه بر موج غول‌آسای ارتجاع جهانی، می‌باید نابود کند - این است وظیفه‌ی اصلی ما. و ما ملزم به انجام آن، با تمام امکانات و اشکال در دست هستیم.»

این تزاها بوسیله‌ی تمامی ۳۰ زندانی در بند تروتسکیست‌ها امضاء شده از جمله «دینگل اشف»، «کاریاکین م»، «پاپی مایستر پ»، «شینبرگ ب»، «نویکوف پ»، «آبرامسکی آ»، «پورلنوی م»، «بودرف م»، «پاپی مایستر

یا»، «فل دمان»، «نولسون م»، «کسل»، «بورزنکو»، «بلوخ»، «کوگلف»، «کوژونیکوف ن»، «زارالکین»، «پاپی مایستر س»، «ال تسین و ب»، «دانیلوویچ ل»، «خوکائف ک»، «برونتمان»، «واشاکیدزه»، «گوگلاشویلی»، «تیوریا»، «افرموف»، «شیپتال نیک»، «ساسوروف»، «خولمنکین»، «شویروف».^۲



عنوان این دفترچه
«وضعیت داخلی کشور و وظایف بلشویک لنینیست‌ها» است

این سند از همه نظر فوق العاده است. تروتسکیست‌های شوروی، با وجود اینکه بر اثر زندانی بودن رابطه‌اشان با «اپوزیسیون چپ» در سطح بین‌المللی قطع بود، تحلیلی ارائه دادند که در کلیه‌ی نکات بحرانی با نظر تروتسکی

^۲-Dingel'shtedt F., Kariakin M., Papirmeister P., Shinberg B., Novikov P., Abramskii A., Portnoi M., Bodrov M., Papirmeister Ya., Fel'dman, Nevel'son M., Kessel', Borzenko, Blokh, Kugelev, Kozhevnikov N., Zaraikin, Papirmeister S., El'tsin V. B., Danilovich L., Khugaev K., Brontman, Vashakidze, Gogelashvili, Topuriia, Efremov, Shiptal'nik, Sasorov, Kholmenkin, Shvyrov.

مطابقت داشت و شامل جوانب و تکیه‌هایی می‌شد که برای یک ارزیابی تاریخی کامل در سال ۱۹۳۳ مهم بود. اگرچه آن‌ها خواهان ساختن «بین‌الملل چهارم» نشده بودند - زیرا تروتسکی در همان سال بعد از مدتی اعلام موجودیت «بین‌الملل چهارم» را داد - اما از روی این سند بی‌شک می‌توان گفت که تروتسکیست‌های اصلی شوروی از ایجاد «بین‌الملل چهارم» پشتیبانی نموده و کمک می‌کرده‌اند. اضافه بر این، توزیع این اسناد در اروپا و به ویژه در آلمان، در حالی که رهبری سابق داشت از هم می‌پاشید، تأثیر زیادی بر آگاهی هزاران کارگر، اگر نه میلیون‌ها کارگر می‌داشت.

اسنادی که تا کنون منتشر شده تنها یک دهم اسنادی است که یافته شده است. در میان دستنوشته‌های کشف شده چندین دفترچه وجود دارد با عنوان مشترک «بحران انقلاب و وظایف پرولتاریا» و اسناد دیگر هم با عناوین «یک انقلاب واحد یا مبهم؟»، «درباره‌ی نتایج بحث در باره‌ی انقلاب مداوم»، «تئوری انقلاب مداوم و تئوری سوسیالیزم در یک کشور»، «درباره‌ی بنیاد نظری اپوزیسیون لنینیستی و ملی‌گرایی سوسیالیزم استالینیستی»، «سئوالات اساسی درباره‌ی اقتصاد و سیاست دوران گذار» و «تزهایی درباره‌ی سیاست اقتصادی (برای بحث عمومی و جمعی) بدست آمده است.

این اسناد، در مقیاس جرایم و جنایات تاریخی تأکید کرده، نشان داده و مشخص می‌کند که بوروکراسی استالینیستی در ابتدا این کادرها را از شوروی و پرولتاریای بین‌المللی منزوی نمود و سپس آن‌ها را در یک نسل‌کشی سیاسی به نام «ترور بزرگ» به قتل رسانده است. این دقیقاً به این دلیل بود که بوروکراسی استالینیستی تشخیص می‌داد که خط سیاسی آن‌ها با تجارب زندگی طبقه‌ی کارگر در سطح بین‌الملل مطابقت داشته و به وضوح وظایف تاریخی و

سیاسی پرولتاریا را ترسیم می‌کردند. در نتیجه بوروکراسی استالینیستی با خشم بیسابقه‌ی تاریخی آن‌ها را سرکوب کرد.

از سال ۱۹۳۳، نیروهای اپوزیسیون به اردوگاه‌های کار انتقال می‌یافتند و در اواخر ۱۹۳۶ آن‌ها کلاً در دو اردوگاه بسیار وحشتناک زندانی بودند: یکی اردوگاه «کولیم»^۳ در سیبری شرقی و دیگری اردوگاه «ورکوتا»^۴ در نزدیکی قطب شمال، قله‌ی کوه‌های اورال.

در این مکان بسیاری از گرسنگی، بیماری یا کار اجباری جان باختند و یا اعدام شدند. بوروکراسی استالینیستی، از ترس اینکه جنبش تروتسکیستی از قیام طبقه‌ی کارگر بین‌المللی بهره‌برد، به افزایش سرکوب‌های خود ادامه داد و «ترور بزرگ» را براه انداخت که در نتیجه‌ی آن، حداقل ۲۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ تروتسکیست‌های شوروی و صدها هزار و حتی میلیون‌ها کمونیست و سوسیالیست روشنفکر به قتل رسیدند. تقریباً تمام کسانی که در زندان سیاسی «ورخنورالسک»^۵ بودند، کشته شدند.



یکی از دفترچه‌های دستنویس که در زندان سیاسی ورخنورالسک پیدا شده است.

^۳-Kolyma

^۴-Vorkuta

^۵-Verkhneuralsk

شکی نیست که کادرهایی که بدست استالین نابود شدند، نقش مرکزی در رهبری جنبش‌های انقلابی بر ضد فاشیسم که از میان طبقه‌ی کارگر اروپا در شب جنگ جهانی دوم و اوائل دهه‌ی ۱۹۴۰ برخاست، می‌داشتند. ترورهای توده‌ای جنبش‌های تروتسکیستی و کمونیستی توسط استالینیزم و به دنبال آن قتل عامی که نازی‌ها مرتکب شدند، شرایطی را ایجاد نمود تا این جنبش‌ها از نظر سیاسی صدمه دیده و به زیر کنترل استالینیزم در آیند.

این اسناد با قدرت تمام مبارزه‌ی تروتسکیستی را بر ضد بوروکراسی استالینیستی تأیید می‌کنند. هر یک از این نکات در تحلیل آن‌ها در عمل به اثبات رسید. هر کس این اسناد را خوانده باشد، نمی‌تواند بگوید که «اپوزیسیون چپ» نیروی سیاسی بی‌اهمیتی در اتحاد جماهیر شوروی بود. هر خطی از این اسناد از خوش‌بینی انقلابی، استحکام و پیش‌بینی با روحیه‌ی مبارزه‌جویی و با افتخار و سرسختی الهام گرفته است.

جنبش تروتسکیستی، همان طوری که بلشویک-لنینیست‌ها تأکید کردند، همیشه و در درجه‌ی اول، گرایش بین‌المللی است. به این دلیل، علیرغم تمام جنایات وحشیانه‌ی استالین و هرگونه ضربه‌های فوق‌العاده‌ی دیگری بر پیکر جنبش تروتسکیستی، هرگز نمی‌توان آن را به عنوان یک گرایش سیاسی، شکست داده و یا نابود کرد.

قابل توجه است که کشف این اسناد به طور گسترده در رسانه‌های روسی درج گردید؛ در رسانه‌های خبری برجسته‌ای مانند رسانه‌ی روزانه «کومرسانت»^۱ که یکی از پُرخواننده‌ترین روزنامه‌های روسیه است (این رسانه از سال ۲۰۱۳ تا کنون بین ۱۲۰۰۰۰ تا ۱۳۰۰۰۰ شماره بیرون داده

^۱-Kommersant

است). در یکی از شماره‌های آنلاین این روزنامه دو سند از این اسناد به طور کامل انتشار یافت (همان دو سندی که در بالا ذکر گردید) و سپس با چندین تاریخدان نیز در این زمینه مصاحبه گردید.

در جامعه‌ی روسیه این درک عمیق وجود دارد که این مضامین تاریخی و سئوالاتی که مطرح می‌کند، حائز اهمیت بسیار است، نه فقط برای امر آرشیوگرایی بلکه از نظر موضع سیاست معاصر. صدها و هزارها نفر، اگر نگوییم ده‌ها هزار نفر این اسناد را خوانده و خواهند خواند. بسیاری از آن‌ها تحت تأثیر درجه شفافیت و تیزبینی و قدرت پیش‌بینی‌ای که تروتسکیست‌ها از خود نشان داده‌اند، قرار خواهند گرفت.

ولادیمیر فولکوف و کلارا وایس

۲۷ اوت ۲۰۱۸

مترجم: سارا قاضی

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۶